

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۱ اپریل ۲۰۱۲

## ایران در هفته ای که گذشت

### تعدیل موقت تنش، هدف مذاکرات

از سرگیری مذاکرات جمهوری اسلامی با گروه ۱ + ۵ پس از وقفه‌ای چهار ماهه و برگزاری اجلاس استانبول، مهم‌ترین رویداد سیاسی در این هفته بود.

خبرگزاری‌ها و مطبوعات جمهوری اسلامی به همراه رادیو و تلویزیون، در هفته‌ای که گذشت، اخبار، گزارش‌ها و تحلیل‌های فراوانی پیرامون این اجلاس و اهمیت آن برای طرفین درگیر انتشار دادند.

موضع‌گیری و اظهار نظر مقامات اروپائی، امریکا، روسیه و چین و نیز جمهوری اسلامی، پیش از تشکیل اجلاس، حاکی بود که توافق‌های اولیه بر سر مسایل مورد بحث به نحوی که ادامه این مذاکرات را تضمین کند، صورت گرفته است.

مسئول سیاست خارجی اروپا که ریاست گروه ۱ + ۵ را بر عهده دارد، اعلام نمود که گروه ۱ + ۵ در این دور از مذاکرات با چهره و راهبرد جدیدی ظاهر خواهد شد. معاون وزارت امور خارجه روسیه گفت: ما می‌توانیم مذاکرات روز شنبه را به گونه‌ای جلو ببریم که دست کم به ادامه مذاکرات بینجامد. وزیر خارجه ترکیه که کشورش میزبان مذاکرات بود، اعلام نمود که اخبار خوبی بعد از مذاکرات روز شنبه خواهیم داشت. بنابراین طرفین بدون این که ادعاهای قبلی خود را در این اجلاس مطرح کنند، وارد مذاکره شدند. جمهوری اسلامی که پیش از این، بحث درباره پرونده هسته‌ای را موکول به حل یکرشته مسایل سیاسی می‌کرد و می‌کوشید از طریق امتیاز دادن بر سر مساله هسته‌ای، امتیازات سیاسی به ویژه منطقه‌ای به دست آورد، این بار فقط بر حل و فصل مساله هسته‌ای متمرکز شد و طرف دیگر نیز ادامه مذاکرات را مشروط به توقف غنی‌سازی اورانیوم نکرد، بلکه تأکید به حق جمهوری اسلامی برای غنی‌سازی برای مقاصد صلح‌آمیز نمود، بدون این که وارد جزئیات آن شود. تا این‌جا روشن است که هر دو طرف درگیر لااقل در حرف از مواضع پیشین خود عقب‌نشینی کرده‌اند، تا شاید با ادامه مذاکرات که در واقع اجرای طرح گام به گام روسیه است و پیش از این، جمهوری اسلامی با آن مخالفت کرده بود، بتوانند به توافقاتی لااقل در کوتاه مدت که نیاز همه آن‌هاست دست یابند.

این نیاز به مذاکره و ادامه آن از کجا برمی‌خیزد؟ مقدم بر هر چیز، از این واقعیت که تنش در مناسبات جمهوری اسلامی با آمریکا و اروپا به نقطه حساس و خطرناکی رسیده و بیش از آن پیش رفته است که طرفین لااقل در لحظه کنونی خواستار آن باشند. لذا این تنش عجالاً باید به نحوی تعدیل شود. تأکید مکرر رئیس جمهوری آمریکا که هنوز راه حل دیپلماتیک مسدود نشده است، فقط بازتاب این واقعیت است که دولت آمریکا درگیر یک‌رشته مسایل داخلی و خارجی است و نه این که اساساً اعتقادی به راه حل دیپلماتیک اختلافات با جمهوری اسلامی داشته باشد، چون بزرگتر از آن هستند که به شیوه‌های معمول دیپلماتیک حل شوند. کشورهای اروپایی نیز نمی‌خواهند این نزاع به درجه‌ای حاد شود که کار به درگیری نظامی بکشد. در اساس، هدف آمریکا و اروپا در برخورد با جمهوری اسلامی این است که با یک‌رشته فشارهای اقتصادی و سیاسی و تشدید مداوم آن‌ها، جمهوری اسلامی را نه صرفاً بر سر غنی‌سازی اورانیوم، بلکه کلاً سیاست‌های خارجی و منطقه‌ای خود به عقب‌نشینی وادار کنند و در ایده‌آل‌ترین حالت، جناح به اصطلاح معتدل‌تر و "اصلاح‌طلب" رژیم بر سر کار آید.

آنچه که روسیه و چین نیز خواهان آن هستند، تعدیل نزاعی است که مدام احتمال وقوع جنگ را افزایش داده است. برای روسیه بقای جمهوری اسلامی در ایران، بیش از هر چیز اهمیت سیاسی و نظامی دارد. این را هم می‌داند که اگر این نزاع به درگیری نظامی بینجامد، جمهوری اسلامی مشکل بتواند از این جنگ سالم بیرون آید. بنابراین موقعیت سیاسی‌اش در منطقه تضعیف خواهد شد و علاوه بر این ممکن است تغییرات سیاسی در ایران به نفع آمریکا رخ دهد و رقابت با آمریکا و اروپا را در آینده دشوارتر سازد. چین هم برای حفظ وضع موجود در ایران تلاش می‌کند که بخش مهمی از بازار آن در اختیار این کشور است. لذا در مجموع، ۶ قدرتی که در این مذاکرات با جمهوری اسلامی حضور دارند، هر یک از زاویه منافع و موقعیت کنونی خود، خواستار تعدیل و تخفیف تضاد از طریق مذاکرات و ادامه آن در لحظه کنونی هستند.

در طرف دیگر قضیه، جمهوری اسلامی نیز با اوضاع بسیار وخیمی روبه روست. به رغم تبلیغات جنگی‌اش این را می‌داند که از نظر اقتصادی و نظامی توان درگیری و ادامه یک جنگ را با قدرت‌هایی برتر از خود ندارد. این را تشخیص می‌دهد که جنگ به نفعش نیست. اوضاع اقتصادی جامعه در هم ریخته است. اجرای کامل تحریم‌های جدید از تیر ماه، وضعیت اقتصادی را وخیم‌تر و امکانات مالی دولت را محدودتر خواهد ساخت. بنابراین در پی یافتن راهی برای تعدیل این فشارها و اختلافات است و از همین روست که از این مذاکرات و ادامه آن استقبال کرده است.

برای جمهوری اسلامی آنچه که اهمیت فوری دارد، لغو تحریم‌هایی است که قرار است از اول تیر ماه به مرحله اجرا درآیند. چون با اجرای کامل این تحریم‌ها مشکل بتواند حتی هزینه‌های ماشین‌نظامی - بورروکراتیک دستگاه دولتی را تأمین کند. از همین روست که مقامات جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ها و موضع‌گیری‌های خود از هم اکنون خواستار شده‌اند که دولت‌های اروپایی و آمریکا به منظور اعتمادسازی در دور بعدی مذاکرات این تحریم‌ها را لغو کنند. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در یک برنامه تلویزیونی رسماً خواهان لغو این تحریم‌ها شد و اظهار داشت که ایران به دنبال حل موضوع است. اگر آن‌ها در مدت زمان باقی مانده تا جلسه بعدی رفتاری از خود نشان دهند که جنبه اعتمادسازی داشته باشد، می‌تواند در کوتاه شدن مدت زمان حل شدن موضوع هسته‌ای مؤثر باشد. آن‌ها می‌توانند از الان تا زمان جلسه، اقدامات اعتمادسازی را شروع کنند.

واکنش طرف‌های مقابل اما منفی بود. وزیر امور خارجه آمریکا در پاسخ گفت: من به اقدام برابر اقدام، معتقدم اما فکر می‌کنم که زمانی می‌توان شاهد کاهش تحریم‌ها باشیم که ایرانی‌ها جدیت خود را نشان داده و تا زمانی که ایران

جدی بودن خود را نشان ندهد، فشارها باقی خواهد ماند. ایرانی‌ها باید نشان دهند که گام‌هایی را برای پاسخ‌گویی به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و نگرانی‌های جامعه جهانی برمی‌دارند. رئیس دوره‌ئی اتحادیه اروپا نیز گفت: "آن‌ها در زمینه مذاکرات بسیار طولانی که به هیچ سرانجامی نرسد، قهرمان جهان هستند." این که بگوئیم "ممکن است بخشی از تحریم‌ها را برداریم بسیار خطرناک است."

در گذشته البته به نفع جمهوری اسلامی بود که مذاکرات، طولانی و بی سرانجام باشند. اما اکنون اوضاع تغییر کرده است. جمهوری اسلامی بیش‌تر از طرف مقابل اشتیاق دارد که مذاکرات لاقبل زودتر به این نتیجه برسد که بخشی از تحریم‌ها برداشته شوند. بالعکس به نظر می‌رسد که به نفع به ویژه امریکاست که مذاکرات تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در این کشور ادامه یابد، تنش موجود تعدیل شود و حتا بده و بستان‌های محدودی نیز صورت گیرد. از جمله این که غنی‌سازی اورانیوم در سطحی پایین انجام بگیرد، در مقابل بخشی از تحریم‌ها نیز برداشته شود.

اما تمام این اقدامات فقط می‌تواند در محدوده معینی برای تعدیل و تخفیف تنش در مقطع کنونی انجام بگیرد و نه چیزی بیش از آن. چرا که اختلافات دو طرف پیچیده‌تر و گسترده‌تر از آن است که بتوانند به سادگی از طریق نشستن دور میز مذاکرات حل گردد.

### نزاع بر سر اجرای مرحله دوم آزادسازی قیمت‌ها

پخش گفت و گوی تلویزیونی احمدی‌نژاد در پی تشدید نزاع دولت و مجلس در این هفته متوقف شد. قرار بود روز سه‌شنبه، پس از اخبار ساعت ۹ شب، این گفت و گو از شبکه اول پخش شود.

روز دوشنبه خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی گزارش کردند که رئیس جمهوری اسلامی ۲۹ فروردین [حمل] در یک برنامه زنده تلویزیونی درباره مهم‌ترین مسایل اقتصادی، سیاسی، داخلی و بین‌المللی سخن خواهد گفت. این گفت و گو بعد از اخبار سراسری ساعت ۲۱ شبکه اول سیما انجام خواهد شد.

صبح روز سه‌شنبه معاون اول احمدی‌نژاد در پاسخ به این سؤال که گویا قرار است وی در این گفت و گو دستور اجرای رسمی مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها را صادر کند، اعلام کرد که رئیس جمهور امشب از تلویزیون با مردم سخن خواهد گفت. اما این گفت و گو پخش نشد و خبرگزاری ایرنا خبر داد که این گفت و گو به زمان دیگری موکول شده است.

ناگفته روشن است که جز خامنه‌ای کسی نمی‌توانست جلو پخش این گفت و گو را بگیرد و با دستور مستقیم وی پخش این گفت و گوی زنده تلویزیونی لغو گردید.

هنوز دقیقاً روشن نیست که آیا سوای هدفمندی یارانه‌ها مسایل دیگری نیز در این گفت و گو وجود داشته که باعث لغو آن شده است یا نه؟ در هر حال یک نکته مسجل است و آن دستور اجرای رسمی مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها بوده است که مسأله مورد اختلاف مجلس و دولت می‌باشد و خامنه‌ای حل آن را بر عهده هیأت حل اختلاف نهاده است.

با هنر نایب رئیس مجلس پس از لغو این مصاحبه با اشاره به اختلاف بر سر اجرای مرحله دوم آزادسازی قیمت‌ها تلویحاً تأیید نمود که این اختلاف مانع از پخش گفت و گوی تلویزیونی احمدی‌نژاد گردید. وی گفت: به نظر می‌رسد با لغو مصاحبه رئیس جمهور، آقایان مجاب شدند چند روزی صبر کنند و اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها را به تعویق اندازند.

این اختلاف از اواخر اسفند ماه [حوت] سال گذشته بالا گرفت که اعلام شد، دولت مبلغی را بر یارانه‌های نقدی برای اجرای مرحله دوم افزوده است. این اقدام دولت که بدون هماهنگی با مجلس انجام گرفته بود و حاکی از آن بود که احمدی‌نژاد بی توجه به نظر مجلس، قصد آغاز مرحله دوم آزدسازی قیمت‌ها را دارد، خشم مجلسیان را برانگیخت. رئیس مجلس به خامنه‌ای نامه نوشت و از وی خواست که مانع از انجام این اقدام احمدی‌نژاد گردد. وی در توضیح محتوای این نامه گفت: "ما مرحله دوم هدفمندی را هنوز در مجلس تصویب نکرده‌ایم. اصل این مسأله باید از طرف دولت پیشنهاد شود و مجلس آن را تصویب کند و نحوه برداشت درآمد و اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و همچنین نحوه پرداخت باید به اساس قانون باشد."

نمایندگان مجلس نیز در مصاحبه‌های مطبوعاتی خود هر گونه اقدام برای اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها را از سوی احمدی‌نژاد غیر قانونی نامیدند. با این وجود وی مقدمات اجرای برنامه خود را فراهم ساخت، حتی افزایش بهای برخی حامل‌های انرژی از نمونه بنزین نیز پیشاپیش اعلام گردید تا مجلس را در برابر عمل انجام شده قرار دهد و با مصاحبه تلویزیونی خود به آن رسمیت بدهد.

در این جا بود که تلاش وی برای آغاز مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها متوقف گردید. اختلاف جدی تر از آن است که وانمود می‌شود. رئیس مجلس بر تصویب اجرای مرحله دوم توسط مجلس تأکید دارد و معاون وی از تعویق این برنامه برای چند روز سخن می‌گوید.

در واقعیت اما اختلاف از شکست برخاسته است و به سادگی نمی‌تواند حل شود. اجرای مرحله نخست آزدسازی قیمت‌ها با به بار آوردن یک تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی به شکست انجامیده است. شکست این سیاست در شرایط بحران اقتصادی در ایران و جهان و نیز بحران در مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی، از همان آغاز، آشکار بود. با این وجود، طبقه سرمایه‌دار حاکم بر ایران و سران رژیم در ادامه سیاست اقتصادی نئولیبرال، آزد سازی قیمت‌ها را به مرحله اجراء درآوردند. با این ادعا که گویا می‌تواند با افزایش فشار بر دوش توده‌های کارگر و زحمتکش، اقتصاد را از رکود برهاند. در عمل اما رکود تشدید شد و آنچه بر جای ماند، تحمیل تورمی فاجعه‌بار بود که سطح زندگی توده‌های مردم ایران را به میزانی بی سابقه تنزل داد و میلیون‌ها تن دیگر از مردم را به زیر خط فقر سوق داد.

حالا که عواقب وحشتناک این سیاست برای توده‌های مردم ایران و شکست آن کاملاً آشکار شده است، هر باند و گروه هیأت حاکمه می‌کوشد این شکست را به گردن دیگری بیندازد. مجلس ادعا می‌کند که علت این شکست در این است که احمدی‌نژاد قانون را به درستی اجراء نکرده است. احمدی‌نژاد که در سخنرانی‌های تبلیغاتی‌اش مدعی است که همه چیز به خوبی پیش رفته و کشور هیچ مشکل اقتصادی ندارد، وقتی که عملاً ناگزیر می‌شود پاسخی به از هم گسیختگی اوضاع اقتصادی بدهد، آن را به توطئه گروه‌های رقیب نسبت می‌دهد که برای شکست برنامه وی تلاش می‌کنند. از همین روست که از نظر وی کاهش ۴۰ درصدی ارزش ریال و رشد جهش‌وار تورم، نتیجه چیز دیگری جز این خرابکاری و توطئه نیست.

خامنه‌ای که بیش از تمام سران و مقامات رژیم بر اجرای این سیاست تأکید داشت و آن را می‌ستود، اکنون خود را در مخمصه می‌بیند و سکوت اختیار کرده است. او حتی برای این که مستقیماً بر سر این شکست موضع‌گیری نکند، اختلاف مجلس و دولت را بر سر مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها به هیأت حل اختلاف سپرده است. چرا که وی دیگر نمی‌تواند همچون گذشته در مورد اجرای این پروژه حرف بزند و از آن دفاع کند، در عین حال نمی‌خواهد به شکست اعتراف نماید.

بنابراین، شکست پروژه آزادسازی قیمت‌ها، تمام باندهای درون هیأت حاکمه را با معضلی جدی روبرو کرده است. نه می‌توانند به سادگی آن را ادامه دهند و نه آن را متوقف سازند. گره اختلاف مجلس و دولت هم در همین جاست. احمدی‌نژاد و دار و دسته او مصرند که با زور سرکوب و دلارهای نفتی، این پروژه را ادامه دهند، و موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها را ایجاد نمایند، در حالی که برخی باندهای هیأت حاکمه که نگران عواقب اجتماعی این پروژه و شورش و قیام‌های توده‌ای هستند، حتما خواهان به تعویق انداختن مرحله دوم آزادسازی قیمت‌ها هستند تا شاید بتوانند عواقب اقتصادی مرحله اول را تحت کنترل درآورند و سپس اجرای فاز دوم را آغاز کنند. گروه‌هایی از هیأت حاکمه و در رأس آن‌ها احمدی‌نژاد، این توقف یا به تعویق انداختن آن را که تأییدی بر شکست است نمی‌پذیرند. بنابراین تنها راهی که برای دو طرف باقی خواهد ماند، نوعی توافق و سازش خواهد بود که در آن سیاست هر دو طرف اصلی درگیر در نظر گرفته شود. این توافق به هر شکلی که باشد، حامل یک تناقض است که در مرحله اجراء، احمدی‌نژاد تلاش خواهد کرد آن را به نفع سیاست خود حل کند و در نتیجه، اختلاف را تشدید نماید. آنچه که از هم اکنون روشن است، ادامه پروژه شکست خورده آزادسازی قیمت‌ها که جزئی از سیاست ورشکسته نئولیبرال می‌باشد، اوضاع اقتصادی را وخیم خواهد ساخت، رکود عمیق‌تر می‌شود، تورم ابعاد بسیار وخیم‌تری به خود خواهد گرفت و اختلافات مجلس و دولت بر سر همین مسأله نیز شدیدتر خواهد شد.

جمهوری اسلامی هیچ راه حلی برای نجات اقتصاد بحران‌زده و ورشکسته سرمایه‌داری ایران ندارد. راه علاج این اقتصاد، دگرگونی و بدیل آن سوسیالیسم است.